

اگر زکوی تو بوی به من رساند باد...

عباس...

نوشته:

تقی سعید کاویانی

نشر شیوه

سرشناسه : کاویانی، تقی سعید، ۱۳۳۴-

عنوان و نام پدیدآور : اگر ز کوی تو بویی به من رساند باد .. عباس ... / نوشته تقی سعید کاویانی.

مشخصات نشر : تهران: شیوه، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۴۸ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۱۴-۹۳-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : داستان های فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : PIR ۸۱۸۴ / الف ۹۶۶ الف ۷ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۸۶۲ / ۳ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۴۲۸۲۵



اگر ز کوی تو بویی به من رساند باد... عباس...

نویسنده: تقی سعید کاویانی

(برداشتی آزاد از کتاب عمو عباس، نوشته مجید غرویان)

ناشر : نشر شیوه

چاپ/ صحافی: خورشید/ شکیب

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۱۴-۹۳-۳

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

مقدمه :

بی مقدمه باید برای مقدمه بنویسم ...

نباید بگویم که تمام مقدمه‌هایی را که نوشته‌ای زیر و رو کرده‌ام تا شاید بتوانم حقایق را ادا کنم. نباید بگویم وقتی در مقدمات برای استاد عسگری خواندم که چگونه آن قامت استوار خمیده‌اش را با آن بالاپوش و قدم‌های موزون‌اش توصیف کردی، من در گرداب افکارم ماندم که چگونه بگویم تو را همیشه با ظاهری صمیمی و ساده و عجیب از دیده گذرانده‌ام.

مرد! چقدر می‌توانی روان باشی. چقدر می‌توانی آزاده باشی... چقدر می‌توانی ابوالفضل‌وار زندگی کنی.

قلمت و توان ادبیات را همه مثال می‌زدند و اهل ادب به سوگند بی‌نظیر می‌دانست این زلال نوشتن‌ات را. چرا حرفات را ادب نساختی تا نان روزگارت گندم نابی باشد که دون‌تر از تو آن را بارها آسیاب کرده بودند.

حاج سعید کاویانی، مقدمه نمی‌نویسم که ریسمان سرهای نگفته‌ی سیرهات را باز کنم! مقدمه می‌نویسم که بگویم تو تواضع را از ابوالفضل شنیدی و لبیک گفتی که بعد از چهار دهه قلم‌زنی حتی یک کتاب به نام خودت به کتابخانه‌ها اضافه نکردی.

یک انسان مگر چقدر می‌تواند مستعار زندگی کند! چند نام مستعار لازم بود تا بتوانی همه‌ی دل‌ات را سیاه مشق کنی و در آنها یگنجانی؟! نام خودت کم بود برای همه‌ی ابعاد قلم‌ات؟! الحق قلم‌ات هم مثل سنتور اهورایی‌وار می‌رقصید. بزن که نغمه‌ی سنتور تو اهورایی است...

...

و مگر قلم عالمان افضل به خون شهیدان نیست...!

تو عالم بودی سعید. عالم به عشق...

تو می‌دانستی در کربلا چه گذشته که هر روزات کربلا بود و هر شب‌ات نینوا. تو اگر عالم نبودی که آن طور ناله‌های استغاثات در قدرهای رمضان ابر شهری را نمی‌لرزاند ... قلم در نیشابور تا مدت‌ها شهید می‌ماند بی‌تو! مگر باز شیر مادری سعیدی دیگر به نیشابور هدیه دهد.

زمستان مرگ هدیه آورد برای تو اما تو باز هم لبخند زدی در زیر برف سنگینی که ارزانی وفاتت کرده بود.

...

حاج تقی سعید کاویانی تمام عمر خود را وقف ادب و جهاد فرهنگی در نیشابور کرد تا بگوید بامدادان نیشابور را ابرمردانی جاودانه کرده‌اند که قلم را چون آبی روان هر روزه جرعه‌جرعه می‌نوشتند ... او در تمام مدت جهاد ادبی‌اش کتاب و مقاله‌ایی را با نام خود منتشر و چاپ نکرده است اما در روزهای واپسین حیات پر برکتش بنا را بر این گذاشت که تنها کتاب با نام زندگی‌اش داستان دلیرمردی باشد که به یقین اسوه‌ی لحظه‌لحظه‌ی این ابرمرد شب‌های صبح نیشابور بوده است.

"اگر ز کوی تو بویی به من رساند باد" "عباس" به قلم حاج تقی سعید کاویانی در آذر ماه سال ۱۳۸۹ به رشته‌ی تحریر در آمد و امروز با اجازه‌ی مرحوم با نام حقیقی‌اش به چاپ می‌رسد. شاید یادگاری باشد به شهری که مدیون جهاد جاودانه‌اش است...

ناشر